

انس

(در آداب سیر و سلوک)

مولانا یعقوب چرخي

مقدمه، تصحیح و تعلیقات
نادر کریمیان سرشتی

تهران-۱۳۹۶ خورشیدی

(عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری)

نادر کریمانی سرشتی

مقدمه، تصحیح و تعلیقات:

۸۵۱-۷۸۴-۲ (زیزی)

مجله تحقیقات فرهنگی

(در آداب سیر و سلوکی)

انتی

انسیه

(در آداب سیر و سلوک)

مولانا یعقوب چرخى

(۸۵۱-۷۶۲؟ ق)

•

مقدمه، تصحيح و تعليقات:

نادر كريميان سردشتى

(عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری)

تهران-۱۳۹۶ خورشیدی



انسیه (در آداب سیر و سلوک)

مؤلف	یعقوب چرخى
مقدمه، تصحيح و تعليقات	نادر كريميان سردشتى
ناشر	تمثال
چاپ اول	تهران، ۱۳۹۶
با همكارى	موسسه انتشاراتى شيخ شرفى
شمارگان	۱۰۰۰
حروفچين، صفحه آرا و ويراستار	مائده كريميان سردشتى
شابك	۹-۱-۹۶۸۰۱-۶۰۰-۹۷۸
قيمت	۴۰۰۰۰ تومان
چاپخانه	ارمغان
صحافى	خانى

تمامى حقوق براى نشر تمثال محفوظ مى باشد

نشر تمثال: تهران، خيابان آزادى، جمالزاده جنوبى، شماره ۱۶۴، طبقه ۲، واحد ۴

تلفن: ۰۹۳۶۶۰۶۹۱۲۳-۶۶۹۲۳۹۵۵

پست الكترونيك: temsai.nashr@gmail.com

موسسه انتشاراتى شيخ شرفى: تهران؛

ميدان انقلاب، خ جمالزاده جنوبى، كوچه دانشور، پلاك ۸

تلفن: ۰۶-۶۶۵۹۱۰۷۵-۲۱-۰۰ پست الكترونيك:

shaykh.sharafi@gmail.com

فهرست مطالب

مقدمه	۷
بخش اول: زندگینامه مولانا یعقوب چرخى	۱۱
[۱] ولادت و نسب و خانواده یعقوب چرخى	۱۳
[۲] زادگاه و موطن یعقوب چرخى	۱۶
[۳] مولانا عثمان چرخى (پدر مولانا یعقوب)	۱۸
[۴] دوران کودكى و تحصیلات مقدماتى و سفرهای علمى چرخى (حدود ۷۶۷-۷۸۲ق)	۱۹
[۵] دیدار با مجذوبى از بخارا	۲۴
[۶] دیدار با خواجه بهاء الدین نقشبند برای كسب طریقت (۷۸۳-۷۹۰ق)	۲۴
[۷] كسب طریقت نقشبندیه	۲۶
[۸] اقامت در شهر كش (۷۹۰-۷۹۱هـ.ق)	۲۸
[۹] هجرت از دیار بخارا و دریافت مقام خلافت (سال ۷۹۱ق)	۲۹
[۱۰] دیدار با مولانا تاج الدین دشتى كوكلى	۲۹
[۱۱] دیدار با خواجه علاء الدین عطار و كسب سلوك در خدمت خواجه عطار (۷۹۱-۸۰۲ق)	۳۰
[۱۲] چرخى در ولایت چغانیان و اقامت و ارشاد در روستای هلفتو (۸۰۳-۸۵۱ق)	۳۱
[۱۳] درگذشت و ماده تاریخ فوت مولانا چرخى (۸۵۱ هـ.ق)	۳۳
[۱۴] مدفن و مزار و آرامگاه حضرت مولانا یعقوب چرخى	۳۵
[۱۵] فرزندان و احفاد و اعقاب مولانا یعقوب چرخى	۳۹
بخش دوم: سیرت و اندیشه‌ها و آراء عرفانى چرخى	۴۳
[۱] اندیشه و آراء عرفانى و خدمات چرخى به فرهنگ و تمدن اسلامى- ایرانى	۴۵
[۲] عبادت و احوال باطنى و مقامات علمى و معنوى چرخى	۵۵
[۳] شجره‌نامه مولانا چرخى (سلسله نقشبندیه)	۵۸
[۴] مناقب چرخى	۶۱
[۵] مشایخ چرخى	۶۳
[۶] نقش چرخى در گسترش طریقه نقشبندیه	۶۹
[۷] خلفا و مریدان و شاگردان چرخى (با واسطه- بى واسطه)	۷۰
[۸] نقش چرخى در گسترش زبان و ادبیات فارسى	۷۴
بخش سوم: آثار و تألیفات مولانا یعقوب چرخى	۸۳

۸۵		سرآغاز:
۸۵		نکته یکم: نسخه‌های خطی چرخ‌ی در جهان
۸۷		نکته دوم: درباره شیخ یعقوب صرفی کشمیری
۹۰		فهرست آثار و تألیفات مولانا یعقوب چرخ‌ی
۹۳		بخش چهارم: شناخت نامه رساله انسیه
۹۵		[۱] شناخت نامه انسیه
۹۸		[۲] نسخه‌های خطی انسیه
۱۰۴		[۳] نسخه چاپی انسیه
۱۰۴		[۴] ترجمه انسیه
۱۰۵		[۵] روش بررسی و تصحیح
۱۲۳		بخش پنجم: متن رساله انسیه
۱۲۵		[۱] تحمیدیه
۱۲۶		[۲] دیباچه مؤلف
۱۳۳		[۳] فصل در بیان فضیلت دوام وضو
۱۳۷		[۴] فصل در فضیلت ذکر خفیه به کیفیت مخصوصه
۱۴۳		[۵] شرایط ذکر و ذاکر و وقوف قلبی و آداب سیر و سلوک
۱۴۹		[۶] فصل در نمازهای نافله
۱۵۶		[۷] خاتمه در فواید سلوک
۱۶۳		بخش ششم: تعلیقات و یادداشتهای رساله انسیه
۱۸۷		بخش هفتم: کتابنامه
۱۸۹		الف) منابع و مآخذ فارسی و اردو
۲۳۵		ب) منابع و مآخذ عربی، ترکی
۲۶۱		ج) منابع خارجی
۲۶۵		د) منابع نسخه‌های خطی
۲۶۹		هـ) منابع الکترونیکی و اینترنتی
۲۶۹		بخش هشتم: فهرست اعلام

مقدمه

به نام خداوند جان و خرد

مولانا یعقوب چرخى از مشاهير و عرفاى برجسته قرن نهم كه در سال ۸۵۱ هـ.ق در روستايى به نام هلفتو در نزديكى شهر دوشنبه كنونى (در كشور تاجيكستان) ديده از جهان فروبست و به يك زندگى پر از جوش و خروش و سفر و سير و سلوك فكرى و معنوى پايان داد آثار و تآليفاتى به زبان فارسى بر جاى گذاشت كه بعدها تأثير آن‌ها در جامعه اهل شريعت و طريقت محسوس بود و به‌ويژه با ترجمه و تفسير فارسى قرآن اين تأثير برجسته‌تر مى‌نمود و آراء و اندیشه‌ها و همچنين روش زندگى عرفانى و معنوى او مى‌تواند امروز نيز براى ما از جهاتى آموزنده باشد. روستاى چرخ در افغانستان كه زادگاه و موطن اين عارف و مفسر و متفكر بود هنوز از مراكز علمى - فرهنگى سنتى به شمار مى‌آيد كه به سبب جنگ‌هاى داخلى در اين ديار صدمات و آسيب‌هاى فراوانى ديده است و جالب اينكه در چرخ، آرامگاهى نيز به وي منسوب است. چرخى هنوز براى ايرانيان شناخته شده نيست هر چند در تاجيكستان و افغانستان و پاكستان و هندوستان تا حدودى به واسطه چاپ مجدد تفسير فارسى وي معرفى و شناخته شده است. ترجمه و تفسير فارسى وي همواره مورد توجه فارسى زبانان بوده است. آثار فارسى او نيز مانند ابداليه و نى‌نامه و شرح اسماءالحسنى، حورائيه و انسيه نيز هنوز معروف اهل تحقيق نبوده و بررسى و تحقيق و پژوهش نوين مى‌طلبد تا براى همگان شناخته شود. چرخى عليرغم شهرت معنوى كه در برخى كشورها به ويژه تاجيكستان و افغانستان پيدا کرده اما تاكنون تحقيق و پژوهش فراوانى درباره آثار و افكار و آراء وي به عمل نيامده است و هنوز هم مطالب ناگفته درباره اين عارف متفكر بسيار است.

پاره‌ای از متفکران و عارفان و نویسندگان بوده‌اند که افکار و عقایدشان در میان بسیاری از اهل فضل و تحقیق در طی قرون شناخته شده بوده ولی برخی هنوز در هاله‌ای از گمنامی باقی مانده‌اند هرچند در عصر خود دارای تأثیرات گسترده‌ای بوده باشد. زندگی ظاهری و عرفانی چرخشی با فراز و نشیب‌هایی که به خود دیده به گونه‌ای بوده است که بتواند جاذبه‌هایی چه در آثار و چه در شخصیت وی داشته باشد و لذا پژوهشگران تاریخ ادبیات و تاریخ تصوف نقش وی را نمی‌توانند به کلی نادیده گیرند. بررسی احوال و آثار چرخشی موضوعی است که می‌تواند از جهات گوناگون این جاذبه‌ها را تبیین و روشن نماید. اما نکته‌ای که در زندگانی عرفانی چرخشی برای ما آموزنده است، این بود که وی با اخلاص تمام در راهی که "سلوک عرفانی" و "پایبندی به طریقت و شریعت" تعبیر می‌شود تا پایان عمر متعهد بوده و در مسیر آن تلاش و کوشش نموده است.

تحول اصلی شخصیت چرخشی زمانی بود که گام در وادی طریقت گذاشته و در عنفوان جوانی با خواجه بهاءالدین نقشبند ملاقات نموده و این دیدار به یک تحول اساسی در زندگی بیرونی و درونی او انجامید. البته این واقعه یک تجربه شخصی بود و نظایر این تجربه در زندگی بسیاری از مشایخ و سالکان طریقت دیده شده است. چرخشی تا قبل از دیدار با خواجه بهاءالدین نقشبند، طالب علمی بود با هوش و دانشجویی در راه کسب آموزه‌های دینی و فقهی که زندگی خود را بر سر آن گذاشته بود ولی پس از ملاقات با بهاءالدین نقشبند زندگی وی نیز به کلی دگرگون شد. همانطور که اشارت شد، تحول شخصیت چرخشی تجربه‌ای دینی بود که تظاهر آن در سایر سالکان و عارفان نیز دیده شده است. ولی نکته اینجاست که چرخشی نیز یک شخص عادی نبوده و تجربیات معنوی وی نشان داد که متفکر و عارفی اهل نظر و درایت است. بحرانی که در زندگی او پدید آمد در حقیقت بحرانی بود که وجود یک متفکر و عالم بزرگ را منقلب می‌کرد. بی‌گمان متفکران و دانشمندان هر عصر فرزند زمانه خویشند، و میراث علمی و معنوی چرخشی نیز آینه تجربه عرفانی و فکری جامعه ایشان است به ویژه جامعه‌ای که در آن طریقت خواجگان بر آن حکفرما بود. چرخشی در مسیر زندگی راه طریقت را در طریقه و روش خواجگان و بنیانگذار نقشبندیان یعنی خواجه بهاءالدین نقشبند مشاهده کرد و لذا کوشید تا آن را در مسیر اصلی زندگیش اجرا نماید و البته فراموش نشود که وی در محیط فرهنگ اسلامی رشد کرده بود و به عنوان عارفی مؤمن و متعهد سعی داشت همواره مبتنی بر

قرآن و سنت نبوی سلوک نماید و در جامه عارفی متشرع درصدد بود تا علوم دین اسلام را هم در درون خود و هم در جامعه علمی خود دوباره زنده کند. ترجمه و تفسیر قرآن کریم در حقیقت آینه کوشش علمی و معنوی وی در ترویج فرهنگ قرآنی اوست. کتاب‌های حوزه سیر و سلوک و رساله‌های عرفانی فارسی او نمایانگر اهتمامی است که به فرهنگ و آموزه‌های طریقت نقشبندی و خدمت به زبان فارسی از خود نشان داده است. طریقه خواجگان که از طریق عارفان خراسان بزرگ بنیاد گذاشته شد در قرن هشتم هجری قمری توسط خواجه بهاءالدین نقشبند (متوفی ۷۹۱ ق) به کمال خود رسید. این نظام سلوک عرفانی مورد قبول بسیاری از علمای شریعت نیز قرار گرفت و عارفان طریقت نقشبندیه آن را به نحو کامل بسط دادند و آراء جدیدی بر آن افزودند و سعی کردند اصول احوال و مقامات عرفانی صوفیان را با آموزه‌های دینی و اسلامی مطابقت دهند. نقش **مولانا چرخى** در این میان با جهاد علمی و عرفانی خود، پس از مرگش نیز با تلاش‌های شاگردش **خواجه عبیدالله احرار** ادامه یافت. چرخى وارث تصوفی بود که لااقل چهار قرن از عمر آن در مراکز تصوف ایران در خراسان می‌گذشت، تصوفی که متفکران و مشایخ بزرگ و به نامی چون هجویری، شیخ ابوسعید ابی‌الخیر، ابوالحسن خرقانی، امام محمد غزالی و برادرش احمد غزالی، سنایی غزنوی، خواجه عبدالله انصاری، عطار نیشابوری و مولوی و مشایخ خواجگان و در رأس همه خواجه بهاءالدین نقشبند را به خود دیده بود. در دوره تیموریان که چرخى در آن عصر می‌زیست، هم طریقت نقشبندیه در حال رشد و گسترش بود و هم فارسی نگاری ادبیات عرفانی رواج کاملی داشت و حتی در دوره چرخى و پس از او تقریباً رساله‌نویسی متون عرفانی به زبان عربی به ویژه در خراسان بزرگ متروک شد و رساله‌های سیر و سلوک همه و همه (مگر موارد استثنایی) به زبان فارسی نگاشته می‌شد حتی تذکره‌نویسی عارفان نیز به زبان شیرین پارسی مدون و تنظیم می‌گشت و ترویج زبان فارسی در این دوره تجربه‌ای است گرانبها و آموزنده. امروزه یکی از وظایف پژوهشگران این مهم است که در تبیین این دوره از ترویج زبان و ادب فارسی، تلاش دامن‌دار صورت گیرد و مورد کنکاش قرار گرفته و آثار فارسی نگاشته شده در دوره تیموریان مورد تحقیق و تصحیح و پژوهش واقع شود و رونق و پیشرفتی که برای ادبیات ایرانیان حاصل شده، برای قاطبه جامعه فرهنگی آشکار گردد. تدوین و تحقیق و تصحیح و تعلیقات بر «رساله‌های فارسی مولانا یعقوب چرخى» در اصل در راستای اهداف مذکور بوده

تا بتوان گوشه‌هایی از تاریخ زبان و ادبیات فارسی را در سرزمین خراسان بزرگ معرفی و شناساند. نگارنده در این رساله از مجموعه رساله‌های فارسی چرخشی اینک رساله «انسیه» (در آداب سیر و سلوک) را به دوستداران ادبیات عرفانی و زبان و ادب پارسی تقدیم می‌دارد. روش کار بر این نهاده شده است که نخست در سه بخش کتاب به زندگینامه و سیرت و اندیشه و آراء و آثار و تألیفات چرخشی پرداخته شود پس آنگاه در معرفی رساله انسیه و گزارش و تصحیح متن انسیه و تعلیقات و یادداشت‌ها بر رساله اهتمام شود. در نهایت کتابنامه و نمایه عام بر آن افزوده شد. امید است این تلاش ناچیز مقبول درگاه الهی قرار گیرد.

درخاتمه از جناب آقای نصیرباغبان مدیر فرهیخته و محترم "بنیاد متن پژوهی پارسیان" که به احیاء متون پارسی اهتمام دارند به سبب چاپ و نشر اثر سپاسگزاری می‌نمایم و نیز از دختر دلبندم مائده کریمیان سردشتی به سبب بازنگری و ویرایش و صفحه‌آرایی تشکر کرده و همچنین از سرکار خانم آریتا گوهری به سبب صفحه بندی نهایی و تنظیم فهرست اعلام سپاسگذارم، توفیقات روزافزون را برای همه خادمان علم و عرفان از قادر متعال لطیف خواستارم. و ما توفیقی الّا بالله.

تهران - نادر کریمیان سردشتی

۰۹۱۲۱۹۶۸۵۴۶

Nk_sardashti@yahoo.com

بخش اول:

زندگینامہ مولانا یعقوب چرخ

[۱] ولادت و نسب و خانواده یعقوب چرخى

تذکره‌ها و منابع رجالى تاریخ ولادت مولانا یعقوب چرخى را ثبت و ضبط نکرده‌اند، اما براساس قرائن و آثار و مدارک برجای مانده مى‌توان تاریخ تولد وی را حدود سال‌های ۷۶۰ الی ۷۶۵ هجرى قمرى حدس زد. این حدس و گمان بر پایه گزارشى است که در تفسیر چرخى ثبت شده است: حضرت مولانا چرخى در سال ۷۸۲ هجرى قمرى در بخارا خوابی دیده‌اند که مضمون آن در تفسیر آمده است. (چرخى، تفسیر، ص ۷۷) از این تاریخ برمی‌آید با توجه به سال درگذشت وی در ۵ صفر ۸۵۱ هجرى قمرى، این واقعه ۶۹ سال قبل از وفات ایشان بوده است. اگر در آن سال که آغاز نوجوانی و جوانی است و استعداد و توانایی سفر به هرات و از هرات تا بخارا را داشته، حداقل وی بیست سال سن داشته است. پس اگر از این سن و سال قیاس کرده مى‌توان سال ۷۶۲ هـ.ق را سال تولد وی به شمار آورد اما یقیناً بین سال‌های ۷۶۰ الی ۷۶۵ متولد شده است.

نسب‌نامه‌ی مولانا یعقوب چرخى نیز براساس اسناد و مدارک و نسخه‌های خطی برجای مانده و برخی تذکره‌ها چنین است:

(۱) در دیباچه تفسیر چرخى چنین ثبت شده است: «یعقوب بن عثمان بن محمود

الغزنوی الجرخى السرزى».

(۲) در رساله نائیه (نئ‌نامه) چنین آمده: «یعقوب بن عثمان بن محمود بن محمدالغزنوی،

ثم الجرخى، ثم السرزى».

(۳) در رساله شرح اسماءالحسنی اینگونه آمده: «یعقوب بن عثمان الغزنوی الجرخى».

(۴) در رساله ابدالیه چنین گزارش شده: «یعقوب بن عثمان بن محمد بن محمود

الغزنوی ثم الجرخى ثم السرزى».

«یعقوب پسر عثمان پسر محمود پسر محمد پسر محمود». و در برخی نسخه‌های خطی

به طور کامل چنین ثبت شده است: «یعقوب بن عثمان بن محمود بن محمد بن محمود

الغزنوی ثم الجرخى ثم السرزى». وی همواره به نام «مولانا یعقوب چرخى» معروف و

مشهور بوده و به همین مناسبت روستای محل دفن وی را امروزه نیز «حضرت مولانا» گویند. بنا به گفته سعید نفیسی: «نسبت او را سروری هم نوشته‌اند و چندی در شیراز ساکن بود». (نفیسی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۶۴؛ ج ۲: ۷۷۸). البته این نسبت نادرست و اشتباه کاتبان نسخ خطی بوده و می‌باشد.

کاتب نسخه خطی رساله ابدالیّه (تألیف مولانا یعقوب چرخ‌ی) موجود در کتابخانه سراجیه خانقاه شریف احمدیه سعدیه، موسی زئی شریف بخش دیره اسماعیل خان (پاکستان) نسبت ایشان را «الشّری» و کاتب نسخه خطی موجود در کتابخانه دیوان هند، لندن «السوزی»، و کاتبان نسخه خطی کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان - اسلام‌آباد (پاکستان) «السری» نوشته‌اند اما در رساله نائیه (نی‌نامه) حضرت مولانا چرخ‌ی خود آورده‌اند: «سررز دهی است از دیه‌های چرخ که در اوّل بساتین چرخست مسکن آباء و اجداد این فقیر آنجاست». (چرخ‌ی، نائیه، ۱۳۵۳ش: ۱۳۹). از این عبارت چرخ‌ی آشکار می‌شود که نسبت صحیح چرخ‌ی «الغزنوی ثمّ الچرخ‌ی ثمّ السرزری» است نه «سروری» و «السری» و «الشّری» و «السوزی» و «الشیرازی». (رانجها، ۱۳۸۴ش: ۱۲۶) و لذا تمامی شیوه‌های ضبط و املا شده در نسخه‌ها و برخی منابع غلط است و آنچه در رساله نائیه خود چرخ‌ی به آن تصریح کرده است صحیح‌تری می‌باشد.

از معاصرین هر کدام با عناوینی از وی یاد کرده‌اند:

سنا غزنوی در تذکره عرفای غزنی چنین آورده: «یعقوب بن عثمان بن محمود بن احمد الغزنوی الچرخ‌ی السرزری» (سنا غزنوی، ۱۳۸۰ش: ۱۸۳)

خانبابامشار با عنوان: «ملا یعقوب بن عثمان بن محمود بن محمد غزنوی معروف به چرخ‌ی» یاد کرده‌است. (خانبابامشار، ۱۳۴۴ش: ج ۶: ۸۷۰). دهخدا نیز نام و عنوانش را «یعقوب ابن عثمان چرخ‌ی نقشبندی» ثبت کرده‌است. (دهخدا، ۱۳۷۷ش: چاپ جدید، ج ۱۵: ۲۳۷۹۵). خیام‌پور نیز از وی با نام «یعقوب چرخ‌ی، مولانا یعقوب غزنوی» یاد می‌کند. (خیام‌پور، فرهنگ سخنوران، ۱۳۴۰: ۶۵۸) و او را در ردیف شاعران و سخنوران ثبت و ضبط کرده‌است.

محمد ابراهیم خلیل در مقاله‌ای درباره مولانا چرخ‌ی گوید: «حضرت مولانا از اعظم علماء و اکابر عرفاء خطّه چرخ لوگر افغانستان و صاحب تصنیف و تألیف است. تفسیری که دو پاره آخر قرآن عظیم الشان را نموده مشهور آفاق و نزد تمام مقبول و پسندیده است. در اوّل تفسیر خود چنین موقوم فرموده: «فیقول العبد الفقیر الراجی یعقوب بن عثمان بن محمود بن محمد»

اکثر برآنند که محمد اسم شیخ اجل سررزی بود که چهارمین جد حضرت مولینا می‌شود و هم در تفسیر خود نگاشته که: «الغزنوی ثم الجرخی ثم السرری» (محمد ابراهیم خلیل، ۱۳۲۲ش: شماره ۱۴، ص ۱۱) از این گزارش به نقل از تفسیر چرخى، موارد ذیل استنباط می‌شود:

(۱) جد پدری چرخى، شیخ محمد سررزی بوده که مولانا جلال‌الدین بلخی در مثنوی نام و نشان وی را گفته است:

زاهدی در غزنی از دانش مزی بد محمد نام و کنیت سررزی

(۲) دو دیگر اینکه پدران چرخى در اصل از روستای «سررز» بودند زیرا می‌گوید: «الغزنوی، ثم الجرخی ثم السرری» صحیح چنین است هرچند در نسخه‌ها سروری و شیرازی نیز ثبت شده است.

(۳) سه دیگر اینکه چرخ و سررز جزو مضافات ولایت غزنی بوده‌اند نه ولایت لوگر که امروزه در تقسیمات کشوری افغانستان ترسیم و تصویب شده است.

(۴) چهار اینکه در برخی نسخه‌ها واژه «سررز» را اغلب کاتبان به اشتباه ثبت می‌کنند. برای نمونه در برخی از نسخه‌های تفسیر چرخى، یا مؤلف خزینة‌الاصفیاء و سفینة‌الاولیا سهو لفظی نموده و شیرازی ثبت کرده‌اند.

تذکره‌نویسان از نسب آبای وی ساکت مانده‌اند مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی نزدیک‌ترین کسی است که از شرح احوال وی در تذکره نفحات سخن رانده زیرا چون مولینا یعقوب در سال ۸۵۱ (بقول تذکره خزینة‌الاصفیاء) وفات یافته، جامی در سال وفات او ۳۴ ساله بود هنگامیکه جامی تذکره‌ی نفحات‌النس من حضرات‌القدس را به‌پایان رسانیده ۳۲ سال از وفات مولینای چرخ سپری شده بود. (سال تولد جامی ۸۱۷ هجری و سال اتمام تذکره نفحات ۸۸۳ هجری و سال وفات جامی ۸۹۸ هجری می‌باشد.)

بعد از جامی - علی بن حسین کاشفی می‌باشد که کتاب رشحات عین‌الحیات را تألیف نموده و از مولانا یعقوب چرخى، هم در فصلی جداگانه و هم در ضمن شرح احوال دیگران مکرر ذکر نموده و کتاب رشحات ۵۸ سال پس از وفات وی به‌پایان رسیده. (تاریخ اتمام کتاب رشحات مطابق اعداد حروف آن سال ۹۰۹ هجری می‌باشد.)

این هر دو مولف بزرگوار (جامی و علی کاشفی) تنها به ذکر نام و موطن وی پرداخته و از نسب وی ساکت گذشته‌اند. داراشکوه در سفینه‌الاولیا و مولوی غلام سرور لاهوری در خزینة‌الاصفیا نیز از نفحات و رشحات پیروی کرده‌اند. (خلیلی، ۱۳۳۶ش: ۱۰۳)

جامی و صفی‌الدین علی کاشفی هر دو در تذکره نفحات و رشحات لقب او را مولینا ضبط کرده‌اند. سال ولادت وی در هیچ یک از تذکرها ضبط نگردیده و سنین عمر او را نیز نشموده‌اند حتی سال فوت او را نیز ضبط نکرده‌اند.

[۲] زادگاه و موطن یعقوب چرخ

براساس متون برجای مانده زادگاه و مسقط الرأس چرخ، روستا یا شهرک چرخ بوده که در گذشته جزو مضافات غزنین و امروزه در حوزه ولایت لوگر واقع شده است.

همگی تاریخ نگاران و تذکره‌نویسان اجماع دارند که موطن اصلی و محل نشاء و نمای یعقوب چرخ، روستای چرخ بوده است. جامی هنگامی که راجع به احوال و آثار چرخ در نفحات‌الناس گزارش می‌دهد می‌گوید: «مولانا یعقوب چرخ رحمة‌الله در اصل از چرخ بوده‌اند که یکی از دیهای [دیه‌های] غزنین است.» (جامی، ۱۳۳۶ ش: ۳۹۸؛ چاپ عابدی، ۱۳۷۰ش: ۴۰۲). الخانی در الحقائق الوردیة درباره محل تولد چرخ می‌نویسد: «وُلِدَ قدس سره فی چرخ بجیم فارسیة و مهملة و خاء معجمة، قرية من قری غزنین» (الخانی، ۲۰۰۹م: ۲۱۷) یعنی چرخ در چرخ که از روستاهای ولایت غزنین است متولد شد. دارشکوه در سفینه‌الاولیاء (تألیف: ۱۰۴۹ق) می‌نویسد: «اصل ایشان از موضع چرخ است و چرخ دیهی است از قیه لهوگر [لوگر] از توابع غزنین واقع شده، فقیر در آنجا رسیده و قبور اجداد ایشان در آنجاست و ایشان مرید بیواسطه خواجه بزرگ‌اند.» (داراشکوه، سفینه‌الاولیاء: ۸۰)

در گذشته چرخ وابسته به ولایت غزنین بوده اما امروزه جزو ولایت لوگر محسوب می‌شود. روستا یا شهرک چرخ بنابر گزارش دائرةالمعارف آریانا «علاقه داری درجه ۲ مربوط به ولایت لوگر می‌باشد. به طور تخمینی بین ۶۸ و ۶۹ درجه، ۵ و ۴۵ دقیقه و ۶ ثانیه طول البلد شرقی و ۳۳ درجه، ۴۷ و ۵۵ دقیقه ۲۵ ثانیه عرض البلد شمالی واقع است.» (آریانا، ۱۳۴۸ش، ج ۵: ۱۰۳)

هوای آن در زمستان سرد و در بهار معتدل است. بارندگی آن در زمستان از برج قوس [برج نهم از برج‌های دوازده‌گانه برابر آذرماه به معنی کمان و تیرانداز کمان‌دار] شروع و تا آخر حَمَل [نخستین برج از برج‌های دوازده‌گانه، برابر فروردین به معنی برَه] دوام می‌کند. خاک چرخ برای زراعت هرگونه نبات مساعد بوده، گندم، جو، جواری [ذرت]، نخود کاشته می‌شود. خربوزه، تربوزه [هندوانه] بادنجان، کدو، زردک [هویج]، لبلبو، ترب، کچالو، بسیار زرع می‌شود. در باغ‌های آن زردآلو، سیب، ناک [در لهجه فارسی تاجیکی افغانستان: گلابی]، شفتالو، توت و غیره فراوان است. مردم آن عموماً زراعت پیشه هستند.

حیوانات اهلی آن عبارت از اسب، خر، گاو، گوسفند و بز بوده و حیوانات وحشی از قبیل گرگ، آهو و غیره دیده شده است. (آریانا، ۱۳۴۸ش، ج ۵: ۱۰۳). اطراف چرخ را کوه‌های زیادی احاطه نموده که به نام کوه کلان (مشهور به سفید کوه) و کوه قرین و کوه هوکام و کوه کوتل و کوه خریچک و کوتل مولینا و کوه کبوترخانه شهرت دارند. در چرخ تنها یک نهر (رودخانه) است که از کوتل مولینا منبع گرفته و منطقه چرخ و اطراف آن را آبیاری نموده به رود لوگر می‌ریزد.

در چرخ یک قلعه بنام «قلعه نو» مشهور است که از بناهای بسیار قدیم بوده و آبادی آن را در حدود چهار صد سال قبل تخمین نموده‌اند. (آریانا، ۱۳۴۸ش، ج ۵: ۱۰۳)

اکنون چرخ براساس تقسیم‌بندی کشور افغانستان در ولایت لوگر واقع شده است. ولایت لوگر از طرف شمال به ولایت کابل، از غرب به ولایت وردک، از جانب شرق به ولایت ننگرهار و پکتیا و از سمت جنوب به ولایت پکتیا و غزنی محدود است. لوگر از نواحی و شهرهای خوشی، ازره، محمد آغه، چرخ، برکی برکه (مرکز ولایت لوگر) تشکیل شده است. ناحیه تاریخی و باستانی سگاوند (سجاوند) در این ولایت واقع شده است. چرخ در ولایت لوگر مرکز تأمین گل کاشی‌سازی محسوب می‌شود. (انجمن آریانا، ۱۳۳۸ش: ج ۳: ۴۷۶، یمین، ۱۳۸۶ش: ۲۳۸-۲۳۹)

«چرخ یکی از روستاهای بزرگ است که امروز به‌همان نام سابق جزء تشکیلات حکومت کلان لوگر می‌باشد. مسجد قدیمی با مدفن یکی از گذشتگان در آنجا موجود است در مسجد محراب نفیسی از چوب با آیات قرآن و کتیبه‌های بسیار زیبا بخط کوفی دیده می‌شود و در حظیره نیز سنگهای مرمر با کتیبه‌های کوفی و

رقاع می‌باشد. دورتر از مرکز چرخ مزار دیگری موجود است که مردم آنرا مدفن مولینا یعقوب می‌دانند ولی معلوم است مدفن پدران مولیناست که دارا شکوه مولف سفینه‌الاولیاء دیده و در تذکره خود از آن ذکر کرده است. خواندن کتیبه‌های محراب و سنگ‌های مزارات در بخش دوم می‌آید دیگر از مواضع لوگرد شهر سجاوند است که مزار مؤلف تفسیر عین‌المعانی و مدلل و وقوف قرآنی و سراج‌الدین مولف رساله سرا جیه در علم فرایض (میراث) آنجا می‌باشد و سلطان ابوسعید مقلی گنبد بزرگی بر آن تعمیر نموده و نام این شهر «سجاوند» در حدود العالم ذکر شده و بیهقی در تاریخ آل‌ناصر مکرر از آن ذکر کرده [است]. دیگر از مواضع لوگرد شهرک بلق است که در بیهقی از آن مذکور افتاده و بلقینی نام معروف از آنجا بوده و اکنون آنرا برک و برکی می‌نامند و دیگر و روستای شنبز است که مزار خواجه اسمعیل شنبزی و قبرستانی آنجاست در ممالک ما برخی از خاندان ما خود را از نبایر مولینا یعقوب چرخ می‌دانند و بنام آن بزرگوار خویشتن را نسبت می‌دهند. یکی از نبایر مولینا تا زمان بیدل در هندوستان نیز زنده بوده و بیدل در چار عنصر از او یاد کرده و او را بدین نام خوانده است. سید محمود که از نبایر یعقوب چرخ بود و حکومت داشت. از این جمله سیادت مولینا نیز معلوم می‌شود. (چار عنصر: ص ۳۰؛ خلیلی، ۱۳۵۲ش: ۱۰۴-۱۰۵)

[۳] مولانا عثمان چرخ (پدر مولانا یعقوب)

مولانا عثمان چرخ براساس اسناد و مدارک برجای مانده و اقوال خود مولانا چرخ یکی از علمای عصر و دانشمندان و مدرّسین دوره خود بوده است و حتی ذوق شعری نیز داشته است. از تاریخ ولادت و مرگ وی گزارشی ثبت نشده است ولی می‌توان حدس زد که وی از نوادگان و فرزندان شیخ محمد سرری غزنوی بوده باشد. مولانا چرخ در چند مورد از تفسیر خود از پدرش عثمان چرخ یاد کرده است و طبق گفته‌های چرخ، وی از ارباب علم و دانش و مردی زاهد و عارف مسلک و پارسا بوده است. ریاضت ایشان بدان اندازه بود که روزی از خانه همسایه آب آوردند و چون آب آن در کاسه یتیم بود، نخوردند. (چرخ، تفسیر، ۱۳۳۱ق: ص ۲۴۰)

مولانا یعقوب چرخى برای بیان ذوق شاعرى و نیز آموخته‌هاى خود این رباعى را از زبان پدر بزرگوار خود در تفسیرش گزارش مى‌کند:

جز فضل تو راه کی نماید ما را جز جود تو بندگی که شاید ما را
گر چله هر دو کون طاعت داریم بی لطف تو کار برنیايد ما را

(چرخى، تفسیر، ۱۳۳۱ق، ذیل آیه ۶ سوره انفطار: ۲۱۲)

چرخى در جای دیگر از تفسیرشان مى‌گوید: «پدرشان به وی دعایى را آموخته بودند که همیشه پس از قرائت سوره عم بخوانند.» (همان، تفسیر، ۱۳۳۱ ق: ص ۱۱۵).

مسکن پدران مولانا عثمان چرخى از قدیم همان روستای چرخ و محلات آن بوده است. در رساله نائیه باین معنی تصریح کرده در ضمن داستان شیخ محمد سررزى گفته است: «سررز دهیست از دهات چرخ که در اول بساتین چرخست مسکن آباء و اجداد فقیر آنجاست».

و جای دیگر در همان کتاب آورده است که در کوه‌های چرخ موضعیت آنرا سنگ خواجه گویند محل و مقر صاحب‌دلالنست و نزدیک وی کوه‌های عظیم است و در تگ وی گرداب‌ها مى‌باشد.

امروزه مسجد و مزار مولانا عثمان چرخى یکی از جاذبه‌های توریستی شهر تاریخی استروشن (اوراتپه) در کشور تاجیکستان محسوب مى‌شود که با معماری چوبی و زیبای آن هر گردشگری را جذب مى‌کند. (کریمیان سردشتی، ۱۳۸۱ ش: ۱۴۶)

[۴] دوران کودکی و تحصیلات مقدماتی و سفرهای علمی چرخى (حدود ۷۶۷-۷۸۲ق)

از منابع رجالى و تذکره‌های عرفا همچون نفحات الانس و رشحات عین الحیات چنین استنباط مى‌شود که چرخى دوران کودکی را در چرخ و سررز بسر برده است و سپس بخشی از تحصیلات و تعلیمات علوم دینی و اسلامى را در همان چرخ و سپس شهر غزنین گذرانده و بعدها راهی هرات و مصر و بخارا شده است. طبق گفته خودش که مى‌گوید: استعداد تحصیل علوم را نداشت اما به توجه باطنی حضرت خضر در راه تحصیلات قدم نهاد. (چرخى، ابدالیه، ص ۲۸-۲۹) جامی در

نفحات الناس فقط به سفر چرخى به بخارا برای دیدار خواجه بهاءالدین و سفر به ولایت بدخشان برای دیدار خواجه علماءالدین عطار اشارت کرده و از سفر هرات و مصر وی سخنی به میان نیاورده است. (جامی، ۱۳۳۶ش: ۲۹۸). پس از غزنین شاید نخستین جایی که چرخى برای کسب علم و دانش بدانجا رفته «شهر هرات» بود. مولانا فخرالدین علی بن الحسین الواعظ الکاشفی (متوفی ۹۱۰ق) نوشته که «حضرت مولانا یعقوب چرخى قدس سره در مبادی احوال چندگانه در جامع هرات و چندگاه در دیار مصر به تحصیل علوم مشغول بوده‌اند». (کاشفی، رشحات عین الحیات، ۱۳۵۶ش، ص ۷۹؛ نوربخش توکلی، تذکره مشایخ نقشبندیه: ۱۹۷۶م، ۱۴۰؛ و نیز نسخه خطی کتابخانه گنج‌بخش، شماره ۴۱۲، ص ۷۹).

همین گزارش تحصیل در هرات را نوربخش توکلی در تذکره مشایخ نقشبندیه آورده است. (نوربخش توکلی، ۱۹۷۶م: ص ۱۴۰) چرخى با شیخ زین‌الدین خوافی (متوفی ۸۳۳ یا ۸۳۴ یا ۸۳۸ هـ.ق) هم درس بوده‌اند و نزد مولانا شهاب‌الدین سیرامی که از کبار علمای زمان بوده است تلمذ می‌کرده‌اند (نوربخش توکلی، ۱۹۷۶م: ۱۴۲). بعدها پس از اتمام تحصیلات اجازت فتوی از علمای بخارا گرفته بودند. (رشحات عین الحیات، علی کاشفی: ۱۳۵۶ش، ص ۷۶)

«مولینا یعقوب چرخى چندی در هرات بود- هرات در آن روزگار مهد علم و مرکز تصوف و عرفان شمرده می‌شد. در هرات در مسجد جامع می‌بود خودش می‌گوید: چندگاه که در هری [هرات] بودم از خانقاه خواجه عبدالله انصاری قدس الله تعالی سره که در بازار ملک [ملک نام یکی از بازارها و دروازه‌های هراتست و این نام از قدیم معمول بوده و اکنون نیز آن بازار و دروازه به همین نام خوانده می‌شود. در قرن ۹ این بازار از مقامات خوب هرات بود مولینا جامی در وصف آن بازار گفته:

شام رمضان خوشت و گلگشت هرات با نمره تکبیر و خروش صلوات
خوبانش بتـازگی ز بازار ملک چون آب مضر روان شده در ظلمات

واقعست طعام می‌خوردم بسبب آنکه در شرط آن توسعتی هست و در اصل وقف نیز احتیاط نموده‌اند. و حضرت ایشان می‌فرمودند که از اوقات مدرسه غیایه نیز می‌شاید خوردن به سبب آنکه از اوقاف آن نیز احتیاط مرعی داشته‌اند و مردم صالح متورع در مدرسه غیایه ساکن می‌بوده‌اند و از اوقات آن اجتناب نمی‌نموده‌اند. خواجه عبدالله احرار از زبان مولینا یعقوب می‌گفت که در شهر هرات از موقوفات آن جز در سه موضع چیزی نمی‌توان خورد در خانقاه

خواجه عبدالله انصاری - در خانقاه ملک - در مدرسه غیاثیه». (علی کاشفی، رشحات عین الحیات، ۱۳۵۶ش، ج ۱: ۱۱۹-۱۲۰) همین گزارش را عبدالاول آورده است. (عبدالاول، ۱۳۸۱ش: ۱۷۶)

در سال ۷۸۲ هجری از شهر هرات به بخارا جهت تکمیل تحصیلات سفر می‌کرد و در راه در فتح‌آباد در رؤیایی به اشارت پیامبر اکرم (ص) به خواندن تفسیر بیضاوی پرداخت و فواید بسیار حاصل کرد. (چرخ‌ی، تفسیر، ۱۴۸)

چرخ‌ی خود راجع به سفر به بخارا گزارشی را در تفسیر ثبت کرده و می‌نویسد:

«چون در بلدة فاخرة بخارا درآمدم از شهر هرات آمده بودم شبی به‌خاطرم آمد که به‌کدام علم مشغول شوم حضرت پیغمبر صلی‌الله‌علیه و سلم را بخواب دیدم که قرآن می‌خواند آهسته آهسته - به‌خاطرم آمد که چرا آهسته می‌خوانند باز هم در خواب بخاطر رسید که (ورتل القرآن ترتیلاً) در حق اینانست و دانستم که شارتست بقرائت تفسیر قاضی ناصر الدین بیضاوی - و این رویای صالحه در سنه اثین و ثمانین و سبعمائة [۷۸۲ ق] بود» (چرخ‌ی، تفسیر، ص ۷۷). از این حساب برمی‌آید که مولینا یعقوب در سال هفتصد و هشتاد و دو (۷۸۲) این خواب را در بخارا دیده و این شصت و نه سال قبل از وفات او بوده و اگر در آن عمر که آغاز طالب‌العلمی و استعداد سفر از هرات تا بخارا بوده اقل‌بسیست سال باید تخمین کرد.

و چون فاصله میان وفات او و خواجه بزرگ بهاءالدین نقشبند ۶۰ سال می‌باشد و وی به خدمت خواجه بهاءالدین نقشبند رسیده با این حساب نیز باید عمر دراز یافته باشد. وی در بخارا پس از تحصیل، از بزرگان و فقها و دانشمندان اجازه فتوی دریافت می‌کند. (علی کاشفی، ۱۳۵۶ش: ج ۱: ۱۱۶) مولانا چرخ‌ی سفر دیگری به بخارا نموده و معلوم می‌شود که در آنجا نیز اول به قصد تحصیل رفته و از علمای شهر بخارا اجازه فتوی گرفته و خواسته است از راه بلخ به چرخ بازگردد و در اثنای حرکت جانب بلخ به خدمت خواجه بهاءالدین نقشبند رسیده و چنانچه پس از این بیاید ز بلخ فسخ عزیمت نموده و بدشت کولک رفته و بخدمت خواجه تاج‌الدین رسیده و از آنجا بار دیگر به بخارا رفته است. عین گزارش علی کاشفی در رشحات عین الحیات در این باره چنین است: «ایشان فرمودند که پیش از آنکه به ملازمت حضرت خواجه بهاءالدین قدس سره پیوندم به ایشان محبت و اخلاص تمام داشتم و بعد از آنکه از اکابر و علمای بخارا اجازت فتوی گرفتم عزیمت آن کردم که به وطن اصلی مراجعت نمایم، روزی مرا به حضرت خواجه ملاقات افتاد، تواضع و تضرع بسیار کردم که گوشه‌خاطری به من دارند فرمودند